

آشنایی بالوسی اسپراک میشل

بنیان گذار رویکردهای بانک استریت



لوسی اسپراک^۱ در دوم جولای ۱۸۷۸ در شیکاگو به دنیا آمد. او یکی از شش فرزند خانواده اش بود. پدر لوسی که از تاجران اهل شیکاگو بود، شیوهی انضباطی محدود کننده‌ای داشت و این امر در خصوصیات رفتاری وی تأثیر بسزایی داشت و سبب شد لوسی کودکی منزوی و گوشه‌گیر بار آید. البته بعدها تغییر خلقی عمیقی پیدا کرد و فردی بسیار موفق شد.

آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی در ایالات متحده، اگرچه تا حدود زیادی از نهضت دیویی، مربی عملگرا و اشاعه دهنده‌ی روش فعال در آموزش منشأ گرفته است، اما کوشش‌های خانم اسپراک سهمی اساسی در این روند داشته است

پدر لوسی علاقه‌ی فراوانی به بسط و گسترش ریشه‌های آموزشی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی داشت و با افراد سرشناسی هم‌چون **جان دیویی** (مربی بزرگ آمریکایی) و **جین آدامز** آشنایی و ارتباط داشت. به همین دلیل، لوسی در زمان آشنایی با دیویی دوره‌ی نوجوانی اش را می‌گذراند، اما تمام آثار او را مطالعه کرد و علی‌رغم آن که تجربه و شناخت چندانی از افراد محروم از امتیازات اجتماعی و اقتصادی نداشت، اما شروع به مطالعه برای ادراک حقایق در مورد این قشر از مردم کرد.

وقتی لوسی به سن ۱۶ سالگی رسید، خانواده‌ی اسپراک به دلیل ناخوشی پدر خانواده، به جنوب کالیفرنیا مهاجرت کرد

و لوسی عهده‌دار پرستاری از پدر شد. اما پس از گذشت مدتی، با شرکت در مدارس شبانه‌روزی به تحصیلاتش ادامه داد و وارد دانشگاه «رادکلیف»^۲ شد. در آنجا بود که رشد و پیشرفت بسیار خوبی را تجربه کرد و در سال ۱۹۰۰ با درجه ممتاز فارغ‌التحصیل شد.

همسر وی که از او صاحب چهار فرزند نیز شد، به او برای رسیدن به اهدافش کمک کرد و بر اشتیاق همسرش برای حرکت و تلاش می‌افزود. **رابین**، همسر لوسی که با جان دیویی رابطه‌ی شخصی و حرفه‌ای داشت، فرصت‌هایی را نیز برای وی فراهم آورد تا در کلاس‌های دیویی شرکت کند. در حقیقت می‌توان گفت آموزش و پرورش دوران اولیه‌ی کودکی در ایالات متحده، اگرچه تا حدود زیادی از نهضت دیویی، مربی عملگرا و اشاعه‌دهنده‌ی روش فعال در آموزش منشأ گرفته است، اما کوشش‌های خانم اسپراک سهمی اساسی در این روند داشته است.

وی که در یک محیط آموزشی در شرایط تحول (رفرم) اجتماعی پرورش یافته بود، عقیده داشت مدارس به عنوان مراکزی اجتماعی و نیز مکان‌هایی برای یادگیری اندیشیدن و تفکر شکل گرفته‌اند. به همین دلیل موفق شد افراد صاحب‌نظر و برجسته‌ای را دور هم گرد آورد و مدارسی را بنا نهند تا در آنجا اصول پیشرفته را تجربه کنند و به اجرا گذارند. تشکیل کالج معلمان برای ارتقای دانش معلمان و برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای نویسندگان ادبیات کودک نیز گسترش یافت. در حقیقت میشل از مبتکران اصلی ایده‌ی تجارب آموزشی و برنامه‌ی درسی

مبتنی بر طراحی معلم است که بعداً به منظور درک واکنش‌های کودکان مورد مشاهده و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

با تأسیس دانشکده‌ی آموزشی «بانک استریت» و مدرسه آزمایشگاهی آن، رابطه‌ی بین نظریه و عمل، یا به عبارت بهتر، آموزش کودکان خردسال و مطالعه‌ی چگونگی یادگیری کودکان بیش از پیش بارز شد. رویکرد بانک استریت که برگرفته از نام خیابان بانک (در دهکده‌ی کوچکی در شمال نیویورک) است، به همت لوسی اسپراک و همکاران، افراد خانواده و دوستانش، امروز یکی از رویکردهای تأثیرگذار بر جنبش پیشرفت‌گرایی در آموزش و پرورش محسوب می‌شود.

از بارزترین اهداف این رویکرد، ایجاد محیط آموزشی‌گاهی به منزله‌ی الگویی از جامعه‌ی چند فرهنگی آمریکا، پرورش و رشد همه‌جانبه‌ی کودکان، حمایت از حس کنجکاوی و شوق یادگیری کودکان، تقویت حس خودکامی، پرورش قابلیت حل مسئله و تفکر در کودکان و روحیه همکاری و مسئولیت‌پذیری است.

برنامه‌ی مطالعات اجتماعی، هسته‌ی اصلی برنامه‌ی درسی بانک استریت در تمام سطوح است. انسان‌شناسی فرهنگی، تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، علوم سیاسی و فناوری در پیوند با علوم و هنر، شالوده‌ی این مطالعات است. هم‌چنین، ادبیات، زبان خارجی، موسیقی، تربیت بدنی و پایه‌های خواندن و نوشتن برای کودکان پیش از دبستان را شامل می‌شود. این محتوا برای هر سه سطح مقدماتی (۶-۳ سال)، متوسط (۱۰-۷ سال) و عالی (۱۴ تا ۱۱